Arabic Literature Criticism (2024, 15, 1/28: 142-158) ISSN: 2588-7491

Analyzing Explicit and Implicit Intertextuality in the Play “Al-Hussein, a Rebel and a Martyr” by Abd Al-Rahman Al-Sharqawi, Based on the Theory of Intertextuality of Gerard Genet

Origina Article

Received: 2023/02/21
Accepted: 2024/12/15

Najmeh Dehghan[1], Yusef Hadipour Nahzmi[2*], Farhad Divsalar[3]

1.PhD student, Department of Arabic language and literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

2.Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

3.Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Karaj Branch, Islamic Azad University, Karaj, Iran

How to cite this article: Dehghan, Najmeh, Hadipour Nahzmi, Yusef and Divsalar, Farhad, 2024, “Analyzing Explicit and Implicit Intertextuality in the Play “Al-Hussein, a Rebel and a Martyr” by Abd Al-Rahman Al-Sharqawi, Based on the Theory of Intertextuality of Gerard Genet”, Arabic Literature Criticism, 15, 1(28): pp. 142-158.

Abstract

Gérard Genet (1930-2018) posits that no text is original; instead, it is a manifestation of antecedent texts. He defines the incorporation of elements from prior texts into the current text as intertextuality, categorizing it into three types: explicit, non-explicit, and implicit. He does. Numerous authors have forged intertextual connections between their works and earlier texts on themes such as religion and history to enhance their writing. Abd al-Rahman al-Sharqawi (1921-1987 AD) was a Sunni and a member of Jamaat. His drama "Al-Hussain Tha'er and Martyr" pertains to the Ashura event, a significant aspect of Shia culture. Analyzing the intertextual relationship between the author and the nobility of previous texts is essential for accurate expression and to avoid issues in this work. The findings indicate that, to enhance his writing devoid of sectarian bias, Sharghavi referenced Ashura and incorporated original materials within his work to augment its scientific dependability and academic credibility. He excelled in the intertextual engagement with religious texts. However, he has not achieved significant success in historical intertextuality and appears to have depended on his intellect in recounting certain events.

Keywords: Abd al-Rahman Al-Sharqawi, Al-Hossein Thaera, Al-Hossein Shahidah, Intertextuality, Gerard Genet

***corresponding Author Email Address:** hadipour@kiau.ac.ir

DOI: 10.48308/jalc.2024.230729.1220

Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

پژوهشنامهٔ نقد ادب عربی (۱۵۸-۱۴۲ :۱/۲۸، ۱۵، ۱۴۰۳)

شاپا: ۷۴۹۱-۲۵۸۸

واکاوی بینامتنیت صریح و ضمنی در نمایشنامهٔ *الحسین ثائراً و شهیداً* اثر عبدالرحمن الشرقاوی براساس نظریهٔ بینامتنیت ژرار ژنت

مقالهٔ پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۰۲
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۵

نجمه دهقان[۱]، یوسف هادی‌پور نهزمی[۲*]، فرهاد دیوسالار[۳]

۱.دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات عرب، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۲.استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

۳.دانشیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

استناد به این مقاله: دهقان، نجمه، هادی‌پور نهزمی، یوسف و دیوسالار، فرهاد، بهار و تابستان ۱۴۰۳ش، «واکاوی بینامتنیت صریح و ضمنی در نمایشنامهٔ الحسین ثائراً و شهیداً اثر عبدالرحمن الشرقاوی براساس نظریهٔ بینامتنیت ژرار ژنت»، پژوهشنامهٔ نقد ادب عربی، ش۱(پیاپی۲۸)، س۱۵، صص۱۴۲-۱۵۸.

چکیده

ژرار ژنت (۱۹۳۰-۲۰۱۸م) معتقد است هیچ متنی اصیل نیست، بلکه واگویهٔ متون پیشین است. او حضور عنصر یا عناصری از متون پیشین در متن حاضر را تحت عنوان بینامتنیت می‌داند و آن را به سه دستهٔ صریح، غیر صریح و ضمنی تقسیم می‌کند. نویسندگان بسیاری با داشتن زمینه‌های اعتقادی جهت تعالی بخشیدن به نوشتار خود میان مطالب خویش و کتب پیشین، با موضوعاتی همچون دینی و تاریخی، ارتباط بینامتنی برقرار کرده‌اند. عبدالرحمن الشرقاوی (۱۹۸۷/۱۹۲۱م) از اهل سنت و جماعت است و نمایشنامهٔ الحسین ثائراً و شهیداً اثر اوست که در رابطه با واقعه عاشورا و جزء مهمی از فرهنگ شیعه است. بررسی رابطهٔ بینامتنی و اشراف نویسنده بر متون گذشته جهت بیان صحیح و به دور از اشکال در این اثر، امری ضروری به نظر می‌رسد؛ که این جستار با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-توصیفی به این مهم پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد شرقاوی در راستای ارتقاء نوشتار خود بدون تعصب فرقه‌ای، به نقل عاشورا پرداخته و از متون معتبر در جای جای اثر خود بهره جسته است تا بر وثاقت علمی و اعتبار اثر به شیوهٔ آکادمیک بیفزاید. او در رابطه بینامتنی با متون دینی موفق بوده ولی در بینامتنیت تاریخی چندان موفق عمل نکرده و به نظر می‌رسد در بیان برخی حوادث بر ذهن خود تکیه داشته است.

کلیدواژه‌ها: عبدالرحمن الشرقاوي، الحسين ثائراً و شهيداً، بینامتنیت صریح و ضمنی، ژرار ژنت

***corresponding Author Email Address:** hadipour@kiau.ac.ir
DOI: 10.48308/jalc.2024.230729.1220

Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/).

۱. مقدمه

ادبیات معاصر با ژانرهای گوناگون، مجموعه‌ای از مفاهیم جدیدی را در بردارد که برخی از آنها را از جهان غرب به عاریت گرفته است. متون ادبی که امروزه به نگارش درمی‌آیند، محصول تعامل بین متون گذشته و متون معاصر است به گونه‌ای که متون و افکار، در هم تداخل پیدا کرده و موجب ظهور متنی جدید می‌گردد که این پدیده «بینامتنیت» نامیده می‌شود. محققین به این پدیده با واژه‌ها و اصطلاحات مختلفی همچون «به هم آویختگی متنی» یا «اثرپذیری متقابل متون»، اشاره کرده‌اند. نظریه‌پردازان امروزی، متن‌های ادبی وغیر ادبی را فاقد هرگونه معنای مستقل می‌دانند و معتقدند متون، متشکل از همان چیزي است که اکنون آن را امر بینامتنی مي‌نامند. تأویل یک متن یا کشف کردن معانی آن، در واقع ردیابی همین روابط است (گراهام، آلن، ۱۳۸۰: ۱۱). اثرادبي هرچه پردامنه‌تر و فراخ‌تر باشد و با متون دیگر در هم‌تنیدگی و آمیزشِ بیشتری داشته باشد، تأثیر آن بر مخاطب بیشتر خواهد بود (بحیری، ۱۹۹۷: ۱۷). در میان نظریه‌پردازان، ژرار ژنت از تأثیرگذارترین پژوهش‌گران در عرصهٔ بینامتنیت است. ژنت توانسته نظامی خاص را برای تحلیل دلالت‌های متن ترسیم کند و بدین‌گونه نظریهٔ روابط بینامتنی متون را از حوزهٔ نظری صرف خارج کرده و آن را کاربردی سازد. از نظر ژنت، بینامتنیت به معنی حضور دو یا چند متن در متن حاضراست (نامور مطلق، ۱۳٦۸: ۸۵)، که به سه دسته تقسیم می شود:

بینامتنیت صریح: در این نوع از بینامتنیت، متن سابق به طور واضح در متن حاضر موجود است؛ نقل قول، نمونهٔ بارز آن است (Genette,1997 : 2).

بینامتنیت غیرصریح: متن سابق، به تمامی در متن حاضر پوشیده و پنهان است که سرقت ادبی از این نوع به‌حساب می‌آید (نامور مطلق، ۱۳۹۰ش: ٤٦).

بینامتنیت ضمنی(تلمیحی): برای پی بردن به این نوع، دقت لازم است زیرا همچون بینامتنیت صریح، اشاره آشکار به متن مرجع نشده وهمچون بینامتنیت غیر صریح، متن سابق در متن حاضر پنهان نیست وذتنها یک تخیل تیزبین می‌تواند این ارتباط را کشف کند. تلمیح را می توان از این نوع نامید (Genette,1997 :8). در این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-توصیفی، به بینامتنیت دینی و تاریخی درنمایشنامهٔ الحسین ثائراً وشهیداً پرداخته شده است و بررسی‌ها نشان می‌دهد واژه ها و عبارات کوتاه از قرآن و نهج البلاغه به طور صریح و غیر صریح و گاهی ضمنی در جهت قدرت‌بخشی به متن، در جای‌جای اثر به چشم می‌خورد و نویسنده در این امرموفق عمل کرده است ولی در برخی مواقع، ارتباط این نمایشنامه با کتب تاریخی، دارای اشکال است و نشان از عدم اشراف کامل نویسنده به متون تاریخی دارد. جستار پیش رو، که مبتنی بر روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-توصیفی است، در پی جواب به این سوالات بنیادین و زیربنایی است.

۱-۱. پرسش‌های پژوهش

هر متنی پیوسته در ارتباط با متون دیگر است و از آن تأثیر می‌پذیرد، نمایشنامهٔ الحسین ثائراً و شهیداً اثر عبدالرحمن‌الشرقاوی تا چه حد در بر قراری ارتباط بینامتنیت با متون دینی، همچون قرآن و نهج البلاغه و همچنین متون تاریخی، موفق عمل کرده است؟ و این سؤال بنیادین و اصلی، ما را به مجموعه ای از سؤالات فرعی رهنمون می نماید که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- بسامد بهره‌گیری شرقاوی از متون دیگر در این اثر عاشورایی به چه میزان است؟
- این برش و پذیرش از متون دینی و تاریخی چه ضرورتی در نمایشنامه داشته است؟

۲-۱. فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه اصلی تحقیق بر این مبنا استوار است که از افکار و اندیشه‌های شرقاوی چنین برمی‌آید که او بر منابع مهم دین اسلام، چون قرآن و نهج البلاغه، آگاهی کافی داشته و نویسندهٔ توانایی

است. او واژگان و عباراتی را از قرآن و نهج البلاغه در کلام خود آورده است که نشان از هوشمندی وی جهت غنابخشی و مقبولیت متن دارد، اما شرقاوی در ارتباط با متون تاریخی نتوانسته به خوبی عمل کند و پژوهش‌گری تاریخی نیست چرا که در بیان برخی حوادث تنها از ذهن خود بهره جسته است.

– همچنین بر اساس فرضیه‌های فرعی پژوهش، شرقاوی در جای‌جای نوشتار خود، به‌طور صریح و غیرصریح و همچنین ضمنی، به مطالب آمده در قرآن و نهج البلاغه اشاره فراوانی دارد که نشان می‌دهد نویسنده در جهت استحکام‌بخشی به متن از واژه ها و عبارات کوتاه برگرفته از این دو کتاب ارزشمند بهره برده است. علاوه برآن، شرقاوی در بیان واقعه عاشورا نیازمند رجوع به کتب تاریخی نیز بوده که در این زمینه در مقایسه با قرآن و نهج البلاغه توجه کمتری نموده است؛

– چنین به نظرمی‌رسد رجوع به قرآن –به‌عنوان کتاب آسمانی تمامی مسلمانان و نهج البلاغه که از فصاحت و بلاغت بالایی برخوردار است و بسیار مورد توجه همگان می‌باشد– در مقبولیت بخشیدن به اثر بسیار حائز اهمیت است و اگردرارتباط بینامتنی با کتب تاریخی نیز همین دقت لحاظ می‌شد به غنای بیشتر اثر کمک بسیاری می‌کرد.

۳-۱. پیشینهٔ پژوهش

– محمد سید عید(١٣٦٤) مقاله‌ای با نام «رؤية نقدية درامية لمسرح عبد الرحمن الشرقاوي» در مجلهٔ إبداع، ش٤، ص١٤– ٣٠ نگاشته که در بخشی ازآن با نگاه نقادانه به گفتگویی خیالی میان معاویه و شرقاوی حول مطالب دو نمایشنامهٔ الحسین ثائراًو الحسین شهیداًمی‌پردازد که هر دو یکدیگر را به چالش می‌کشند.

– نبیل زکي(١٩٦٩) نیز در مقالهٔ «عبدالرحمن الشرقاوي و ملحمة الحسين»، شماره١٠١، صص١٢٨– ١٤٢ به بررسی تاریخی بخش اول نمایشنامه با نام الحسین ثائراً پرداخته است. او بیان می‌کند که شرقاوی در نمایشنامه، از قوه تخیل خویش نیز بهره برده است. همچنین به شخصیت «وحشی» غلامی که حمزه، عموي پیامبر، را در جنگ احد به شهادت مي‌رساند پرداخته که از کردهٔ خویش پشیمان است و دائم خود را سرزنش می‌کند. شرقاوی با آوردن این فرد در نمایشنامهٔ خویش مي‌خواهد احساس ندامت مردم عراق در تنها گذاشتن امام عصر خویش به تصویر بکشد. او در این مقاله به عملکرد مسلم در عدم ترور ابن زیاد خرده گرفته است ودر ادامه به مختار و شخصیت او می‌پردازد و در آخر، بیان می‌دارد که عصر و زمانهٔ ما نیاز به نمونه‌های عظیم انسانی دارد که تا سر حد مرگ برای رسیدن به آن‌چه به آن معتقدند، جهاد کنند.

– انسیه خزعلی(۱۳۸۳) درکتابی با عنوان امام حسین در شعر معاصر عربی ازجنبهٔ زیباشناسی، شخصیت‌پردازی و زبان اثر، به بررسي عناصر نمایشنامهٔ الحسین شهیداًمی‌پردازد.

– فرامرز میرزایی و ماشاالله واحدی(۱۳۸۸) در مجله نثرپژوهی ادب فارسی، ش۲۲، صص۲۹۹-۳۲۲ مقاله‌ای با عنوان «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر» به چاپ رسانده‌اند که روش اجرای بینامتنی در پژوهش حاضر با الگوبرداری از آن انجام پذیرفته است.

– جمیل سوزني(۱۳۸۹) در پایان نامه خود با نام «تحليل العناصر المسرحية في مسرحيتي "الحسين ثائرا" و "الحسين شهيدا" از عبدالرحمن الشرقاوی»، دانشگاه رازي، دانشکده ادبیات و علوم انساني. عناصر مورد بررسی در این پایان‌نامه، شامل شخصیت‌های نمایشنامه، گفت وگو، زبان شعری و آرایه های ادبی هستند.

– یوسف عبد المسیح ثروت (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «المأساة و الأصداء ثورة الحسين (ع) دراسة و عرض لأعمال عبدالرحمن الشرقاوي المسرحية الحسينية»، مجلة الموسم، ش۱۳، صص٩٤– ١٠٥به تجزیه و تحلیل واقعهٔ عاشورا پرداخته و سخنان و برخورد شخصیت‌ها را در دو نمایشنامهٔ الحسین ثائراً و الحسین شهیداًبررسی می‌کند.

– محمد حسین حبیب(۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «استثمار واقعة الطف في المسرحية العربية » با اشاره به دو نمایشنامهٔ ذکر

شده معتقد است شرقاوی نمی‌توانسته در این نگاه مختصر تاریخی، به وقایع عظیمی که قبل از این واقعهٔ غم‌بار رخ داده بپردازد و تنها به مطالبی پرداخته که دارای اهمیت بوده و از مبادی دین اسلام و عقاید ثابت دین است و روز عاشورا را روزی متمایز و جاوید دانسته که مسلمان و غیر مسلمان آن را از خاطر نخواهند برد.

- فرامرز میرزایی، رضا تواضعی و سید رضاموسوی(۱۳۹٤)، مجلهٔ ادب عربی، ش۱، صص۳۰۱-۳۲٤ در مقالهٔ «ژرف‌ساخت ناسازواری در شعر امل دنقل و بینامتنی قرآنی» به چاپ رسانده‌اند که نویسندهٔ پژوهش حاضر با مطالعه آن از این مقاله نیز الگو گرفته است.

- حجت الله فسنقری و بهروز سالمی مغانلو(۱۳۹۷) در مجله ادب عربی مقاله‌ای با نام «جلوه‌های پایداری در نمایشنامهٔ الحسین ثائراً وشهیداً اثرعبد الرحمن الشرقاوي»، ش ۱، ص۱۸- ۲۹ به چاپ رسانده‌اند و براساس شاخص‌های ادبیات پایداری به مضمون این دو اثر پرداخته‌اند. نتیجه آن‌که شرقاوی با الهام از قیام تاریخی عاشورا، اوضاع کنونی جهان عرب به ویژه مصر را با جامعه سال ٦١ هجری مقایسه کرده و ملت خود را به مبارزه می‌خواند و تنها راه رهایی را مبارزه و پایداری در برابر ظلم معرفی می‌کند.

- کتاب سفر خروج(۱۳۹۸) ازغلامرضا امامی که ترجمهٔ نه چندان دقیق از نمایشنامهٔ الحسین ثائراً و شهیداً است.

- رزیج عطشان الزهیری (۱۳۹۸)، «الاشارات الشخصية في مسرحيتي الحسين ثائراً و الحسين شهيداً»، مجلهٔ القادسیه، ش۲، صص۳۵۹- ۳۷۵. او با توجه به نظریهٔ پیرس به نشانه‌های گفتاری در نمایشنامه و بعد عملی آن‌ها پرداخته است.

از پیشینهٔ تحقیق چنین برمی‌آید که تاکنون موضوعی مستقل پیرامون بینامتنیت- باتوجه به اهمیت آن که از موضوعات مهم و نوین نقد ادبی در حال حاضر است- در رابطه با این اثر صورت نگرفته است.

۲. ادبیات و مبانی نظری پژوهش

۲-۱. نظریهٔ بینامتنیت ژنت

نویسنده‌ای که قصد دارد وقایع تاریخی و اجتماعی را در اثرش انعکاس دهد، به صورت گسترده یا مختصر، متون پیشین را درآن می‌گنجاند و در بیان مطالب خود می‌کوشد از آنچه در اجتماع به‌عنوان فرهنگ و میراث گذشته از آن یاد می‌شود و جامعه آن را باور دارد بهره جسته و پیام را در غالب عبارت‌هایی که می‌تواند از متون گذشته یا معاصر خود به عاریت بگیرد، با قدرت به مخاطب خویش القاء نماید. متون همواره در ارتباط با یکدیگرند و از هم تاثیر می‌پذیرند؛ هر کلامی برگرفته از کلام دیگر و با الهام‌گیری از دانسته‌های پیشین است که نظریه پردازان از آن به عنوان بینامتنیت یاد می‌کنند و معتقدند هر متن یک بینامتن است زیرا متون دیگر در شکل گیری آن و آن نیز در شکل گیری متن دیگر سهیم است (کالر، ۱۹٦:۱۳۸۸).

ژرارژنت با طرح واژهٔ بینامتنیت، به روابط بین متون نگاهی نو دارد. بینامتنیت او هم برپایهٔ حضور عناصر دو یا چندین متن استوار است؛ یعني هرگاه ازیک متن ادبی یا هنری، عنصر یا عناصری در متن دوم حضوریابد و معلوم گردد که متن دوم به طورمستقیم یا غیر مستقیم ازمتن نخست تاثیر پذیرفته، رابطه این دومتن، بینامتنی است (نامورمطلق، ۱۳۹۵: ۳۱). برای رابطه بینامتنیت سه گونه دسته‌بندی می‌توان در نظر گرفت: ۱- بینامتنیت صریح و آشکار ۲- بینامتنیت غیرصریح ۳- بینامتنیت ضمني.

۲-۲. عبدالرحمن الشرقاوي

عبدالرحمان الشرقاوي(۱۹۲۱/۱۹۸۷م) شاعر، ادیب، روزنامه‌نگار و نویسنده برجستهٔ ادبیات معاصر عرب است. تحصیلاتش را در زادگاهش ادامه داد و سال ۱۹۴۳م از دانشکده حقوق فارغ‌التحصیل شد. نخست به وکالت پرداخت، اما اشتیاق به نویسندگی باعث شد با روزنامه‌ها و مجلات معتبر مصر همکاری کند. تحت تأثیر زندگی روستایی قرار داشت و روستاهای مصر منبع الهام او بود. رمان‌های

«زمین»(١٩٥٤) «قلب‌های خالی» (١٩٥٦)، «خیابان‌های پشتی»(١٩٥٨) و «دهقان»(١٩٦٧) از آثار برجسته اوست. نمایشنامه‌های الحسین ثائراً الحسین شهیداً و علی پیشوای پرهیزکاران، از مشهورترین آثارش در ایران است. همچنین در نگارش فیلم‌نامهٔ الرساله که در ایران به فیلم محمد رسول‌الله، شهرت دارد، مشارکت داشت. در سال ١٩٧٤ جایزهٔ لیاقت دولت در ادبیات را دریافت کرد. او در سال ١٩٨٧ درگذشت (ویکي پدیا، دانشنامه آزاد).

٣-٢. *الحسین ثائراً و شهیداً*

این نمایشنامه دارای دو بخش است: بخش اول «الحسین ثائراً»، دارای سیزده صحنه است که با رسیدن خبر مرگ معاویه به مدینه آغاز می‌شود و حوادث سال ٦١ هجری یک به یک نمایش داده می‌شود و با آمدن حسین‌بن‌علی به کربلا پایان می‌پذیرد. قسمت دوم نمایش، با شش صحنه با عنوان «الحسین شهیداً» نگاشته شده و وقایع را تا روزعاشورا و سپس به اسارت رفتن خاندان رسول‌الله (صل الله علیه و آله) بیان می‌کند. در این پژوهش، بینامتنی دینی و تاریخی در دو نمایشنامه مورد بررسی قرار گرفته است.

٣. بحث

٣-١. بینامتنیت دیني در نمایشنامهٔ *الحسین ثائراً و الحسین شهیداً*

قرآن کریم، اصلی‌ترین کتاب دینی مسلمانان، از صدراسلام تاکنون تاثیر زیادی بر نویسندگان مسلمان داشته است. نهج‌البلاغه نیز دارای قدرت و معانی عظیمی است که مورد توجه مسلمانان و غیر مسلمانان قرار گرفته و بسیاری از این کتاب ارزشمند بهره جسته‌اند و بیانات این دو کتاب در کنار متون تاریخی سبب غنای آثار نویسندگان شده است. رابطهٔ دین ومتون ادبی با شعر و ادبیات، رابطه‌ای متقابل است؛ دین توانسته با موضوعات فخیم خود به شعر و متون یاری رساند، همان‌گونه که متون ادبی با جایگاه قوی، در مواقع مختلف دین را یاری نموده است؛ به‌طوری‌که در حوزه‌های مختلف ادبی می‌توان باورهای دینی را به وضوح مشاهده کرد (شراد، ١٩٨٧: ٢٣).

قرآن کریم و متون دینی، از موضوعات مهمی است که نصب العین پژوهشگران و محققان قرار گرفته و تاثیر ژرف آموزه‌های آن در آثار ایشان به‌وضوح آشکار است. تاثیرپذیری متون، تنها به دوران نزول قرآن و ادبیات قدیم عرب محدود نیست بلکه نویسندگان و شاعران معاصر، حتی پیروان سایر ادیان نیز، تحت تاثیر مفاهیم بلند و ارزش‌های قرآن و نهج البلاغه، که اخوالقرآن نامیده می‌شود، قرار گرفته اند(حاجي زاده، ١٣٩١: ١٢٥).

نهج البلاغه، تأثیر ژرف بر فرهنگ و ادبیات عربی و فارسی گذاشته است. شعرا و نویسندگان برای ارزش دادن به اثر خود، به شیوه‌های گوناگون، سخنان امام علی(ع) را درآثارشان به کار می‌برند که برای مثال می‌توان به مواردی که شرقاوی در نمایشنامهٔ خود از آیات قرآن و نهج البلاغه آورده اشاره کرد (نمازیان و دیگران، ١٤٠٠: ٤٧). شرقاوی به طور آشکار و ضمنی از واژه ها، عبارت‌ها وجملات قرآن و نهج‌البلاغه همچون نشانه‌هایی در اثر خود بهره جسته است تا بتواند آن‌چه در سر دارد به خوبی انتقال دهد که در این پژوهش، مورد بررسی قرار گرفته است.

١-١-٣. بینامتنیت با قرآن

١-١-١-٣. بینامتنیت صریح با قرآن

١-١-١-١-٣. واژگان

متن حاضر

در رابطه با خصوصیات معاویه در الحسین ثائراً آمده:

(1)عطّل أصلاً في الاسلامِ

و زيَّفَ قاعِدةَ الشورى.(شرقاویA، لاتا: 9)

متن غائب

(2)(وَالَّذينَ استَجابوا لِرَبِّهِم وَأَقامُوا الصَّلاةَ وَأَمرُهُم شورىٰ بَينَهُم وَمِمّا رَزَقناهُم يُنفِقونَ)(شوری/38)

عملیات بینامتنی

کلمه شوري به مردم سالاري ديني ا شاره دارد. نظام شوری برای ادارهٔ امور جامعه، مورد تأکید قرار گرفته و در مسائل اجتماعی اسلام، توصیه به مشورت و شوری شده است. در نمایشنامه کلمه شوری به طور صریح به همان معنی و مضمون متن غائب به کار رفته است.

واژهٔ «مِن رجالٍ»

متن حاضر

(3)مِن رجالٍ فرَغوا مِن هذهِ الدنیا و والوا وجهَهُم لِلآخرة (شرقاویA، لاتا: 13).

متن غائب

(4)(مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا) (احزاب/23)

عملیات بینامتنی

کلمه «رجال» همراه «مِن» جاره در دو متن به معنای مساوی آمده است و کلام حاضر، به مفهوم کلام غائب اشاره دارد. در این کلام هم بینامتنیت صریح وجود دارد زیرا «من رجال» در جملهٔ حاضر به طور صریح آمده است و معنای متن غائب به طور ضمنی در متن حاضر وجود دارد.

واژهٔ «ویل لِ»

متن حاضر

(5)ویلٌ لَکُم و لآبائِکُم (شرقاویA، لاتا : 109).

متن غائب

(6)(وَيْلٌ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُمَزَةٍ) (همزه/1).

(7)(وَيْلٌ لِلْمُطَفِّفِينَ)(مطففین/1).

عملیات بینامتنی

«ویل» به معناي نفرین و تهدید به عذاب و عقاب است؛ لفظ ویل از متن غائب به متن حاضر و به همان معنا منتقل شده است و دنبالهٔ کلام، بازآفرینی شده است.

۲-۱-۱-۱-۳. عبارت‌ها و جمله‌های کوتاه

یکی از مهم‌ترین شگردهای «بینامتنیت صریح»، حضور عبارات و جمله‌های کوتاه، از یک زیرمتن در زبرمتن است که این موارد در نمایشنامه مشهود است:

عبارت «أنقَضَ ظَهرَک»

متن حاضر

(8)-حَملُکَ قَد أنقَضَ ظَهرَک (شرقاویA، لاتا: 35).

متن غائب

(۹)(الَّذي أَنقَضَ ظَهْرَکَ) (انشراح/3)

عملیات بینامتنی

متن غائب ادامهٔ متن حاضر و بینامتنیت از نوع آشکار و صریح است.

عبارت «یفعل ما»

متن حاضر

(۱۰)-الله یَفعلُ ما یُرید (شرقاویA، لاتا: 62).

متن غائب

(۱۱)-(الله یفعل ما یشاء) (حج/18)

عملیات بینامتنی

کلام حاضر و غائب شبیه به هم آمده است و تنها در فعل تفاوت دارند و شرقاوي کلمه یشاء را به یرید تغییر داده است. بینامتنیت در اینجا از نوع صریح وآشکار است.

عبارت «لا یُکَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها»

متن حاضر

(۱۲)-لا یُکلِّفُ الله تعالی النفسَ الّا وُسعَها (شرقاویA، لاتا: ۱۵۵).

متن غائب

(۱۳)(لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نفْســاً إِلاَّ وُسْــعَها لَها ما كَسَــبَتْ وَ عَلَيْها مَا اكْتَسَبَتْ .....) (بقره /286)

عملیات بینامتنی

نویسنده همان عبارت را از متن غائب دریافت کرده و در متن حاضر آورده و تنها واژهٔ تعالی را به آن افزوده اســت. در این متن به طور آشـکار به متن غائب اشـاره شـده اسـت و بخشـي از آیه در نوشـتار شرقاوی گنجانده شده و با قبل و بعد، سازگاری ایجاد نموده است.

عبارت «الله يَغفِرُ الذُّنُوبَ»

متن حاضر

(۱۴)الله يَغفِرُ ما يشاءُ مِن الذنوبِ.(شرقاویA، لاتا: 109)

متن غائب

(۱۵)(إِنَّ اللَّهَ يغْفِرُ الذُّنُوبَ) (زمر/ 53)

(۱۶)(الَّذينَ إِذا فعَلوا فاحِشَةً أَو ظَلَموا أَنفُسَهُم ذَكَرُوا اللَّهَ فَاستَغفَروا لِذُنوبِهِم وَمَن يَغفِرُ الذُّنوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَم يُصِــرّوا عَلىٰ ما فَعَلوا وَهُم يَعلَمونَ) (آل عمران / ۱۳۵)

(۱۷)(إِنَّ اللَّهَ لَا يغْفِرُ أَنْ يُشْـرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَـاءُ. وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا)(نساء/48)

عملیات بینامتنی

عبارت «الله يغفر الذنوب» با کمی تغییر، وارد متن جدید شده است و به طور آشــکار قابل رؤیت اســت و ذهن هر فردی را که با قرآن آشنایی دارد متوجه این ارتباط می‌نماید.

عبارت «إن يَشَأ يُذهِبكُم ويَأتِ بِخَلقٍ جديدٍ»

متن حاضر

(۱۸)زيد: إن يشــاءَ ربُكَ يُذهِبُكُم فيَأتي بعدَكُم خلقٍ جديدٍ (شرقاویA، بی‌تا: 137).

متن غائب

(۱۹)(أَلَمْ ترَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ) (ابراهیم/ 19)

عملیات بینامتنی

شرقاوي عبارت قرآني را با تغییر اندکي آورده است. واین بینامتنیت از نوع آشکار است.

عبارت «لُبسُ الحقِ بِالباطلِ»

متن حاضر

(۲۰)هكذا يَلتَبسُ الباطلُ بالحقِّ و يَبدو الجبنُ في ثوبِ الحكيمِ المتأملِ (شرقاویA، لاتا: 169).

متن غائب

(۲۱)(وَلَا تلْبِسُـوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنتُمْ تعْلَمُونَ) (بقره 42)

عملیات بینامتنی

متن حاضر خبری و متن غائب انشایی است و ظاهر هر دو، درهم آمیختن حق با باطل است. جمله حاضر درهم آمیخته شدن حق و باطل را سبب ظهور ترس می‌داند، ترسی که لباس حکیمانه به تن دارد و جمله غائب از درهم آمیخته شدن حق و باطل و کتمان حق بر حذر می‌دارد. ریشــه فعل در هر دو «لبس» اســت و کلمهٔ حق و باطل در هر دو وجود دارد و به وضــوح، ارتباط متن حاضــر با متن غائب را نشان می‌دهد.

۲-۱-۳. بینامتنیت غیرصریح و ضمنی در قرآن

مضمون«نیکی به مظلوم و ستم دیده و برخورد با ظالم»

متن حاضر

(۲۲)عميقُ الرحمةِ بالمظلومِ شـديدُ الصـولةِ بالظّالِمِ (شـرقاویA، لاتا: 18).

متن غائب

(۲۳)(مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاء عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاء بَيْنَهُمْ) (فتح/ ۲۹)

عملیات بینامتنی

نمایشــنامه بیان می‌دارد که امام حســین علیه الســلام، با مظلوم

نهایت رحمت و مهربانی را داشته‌اند و برابر ظالم، با قدرت برخورد می‌کردند؛ این مضمون، قابل تطبیق با آیه ۲۹ فتح است که در رابطه با خصوصیت پیامبر آمده که ایشان "أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ و رُحَمَاءُ بيْنَهُمْ" بوده اند. کلام غائب مستقیما در کلام حاضر نیامده بلکه مضمون و ماده سخن از آن الهام گرفته شده است. جملهٔ «عمیقُ الرحمةِ بالمظلومِ شدیدُ الصولةِ بالظّالِمِ»، در حقیقت الگوگیری از متن غائب است .

مضمون «ترس از حسادت و شر حسود »

متن حاضر

(۲۴)نَخافُ علیکَ اذی الحِسادُ و هُم کُثُر (شرقاویA،لاتا: 23).

متن غائب

(۲۵)(قُل أَعُوذُ بِرَبِ الفَلَقِ . . . . . مِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ) (فلق/1تا 5)

عملیات بینامتنی

در هر دو متن خطر حسود را گوشزد می‌کند و مضمون هر دو جمله یکی است.

مضمون «هر فردي بار گناه خويش را به دوش مي‌كشد»

متن حاضر

(۲۶)الحسین: مَن يَحمِل عني يومَ الحَشرِ (شرقاویA، لاتا: 35).

متن غائب

(۲۷)(ولا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى) (فاطر/18)

عملیات بینامتنی

این عبارت قرآنی در آیه ١٦٤ سوره انعام، آیه ۱۸ سوره فاطر، آیه ۱۵ سوره اسراء، آیه ۷ سوره زمر و آیه ۳۸ سوره نجم ذکر شده که جمعاً پنج مرتبه در قرآن تکرار شده است. جمله حاضر برگرفته شده از از جمله غائب و درمعناي آن است و بیان می‌کند روز قیامت هیچ فردی بار گناه دیگری را به دوش نخواهد کشید.

مضمون «تنها خدا شایسته‌ی ترسیدن و فرمانبرداری است»

متن حاضر

(۲۸)حسین (ع): أن تَخافَ اللهَ اولَی بکَ مِن خوفِ الولاةِ (شرقاویA، لاتا: ١٦٦).

متن غائب

(۲۹)(أَلَا تقَاتِلُونَ قوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ) (توبه/13)

عملیات بینامتنی

در نمایشنامهٔ شرقاوی آمده که خداوند سزاوارتر است که از او بترسی و در قرآن به جای خوف، کلمه خشیة آمده است؛ به این معنا که خداوند به خشوع سزاوارتر است. در حقیقت مضمون و معنا یکی است اما با جملات متفاوت.

۲-۱-۳. بینامتنیت نهج البلاغه

نهج البلاغه برگزیده‌ای از خطبه‌ها، نامه‌ها و سخنان کوتاه امام علی(ع) است که سید رضی در اواخر قرن چهارم هجری قمری آنها را جمع‌آوری کرد. این کتاب به دلیل محتوا و بلاغتش، به «أخ القرآن» (برادر قرآن) نام‌گذاری شده است. برخی از ادیبان عرب، فصاحت و بلاغت نهج‌البلاغه را ستوده‌اند. این کتاب شامل خطبه‌ها، نامه‌ها وکلمات قصار دسته بندی شده است. امام در بسیاری از خطبه ها، مردم را به انجام دستورات الهی و ترک محرمات دعوت کرده و در بخشی از نامه‌ها که خطاب به فرمانداران است، آنها را به رعایت حق مردم سفارش کرده است، برخی در نسبت دادن نهج‌البلاغه به حضرت علی(ع) تشکیک کرده‌اند، اما در مقابل بسیاری از علمای شیعه و برخی از علمای اهل سنت همچون ابن ابی‌الحدید معتزلی نسبت دادن این کتاب به حضرت علی(ع) را صحیح می‌دانند و معتقدند که سید رضی فقط این سخنان را جمع آوری کرده است. برخی از علمای شیعه برای اثبات

صحت سخنان و کلمات نهج البلاغه کتاب‌های متعددی در مورد اسناد و مدارک نهج‌البلاغه نوشته‌اند. نهج‌البلاغه به ۱۸ زبان ترجمه شده است. شرح‌ها و مستدرکات متعددی نیز در مورد نهج‌البلاغه نوشته شده که تعداد آن‌ها تا حدود ۳۰۰ عنوان بیان کرده‌اند.(نهج البلاغه، ویکی شیعه)

۱-۲-۱-۳. بینامتنیت صریح (آشکار)

عبارت «یا دنیا غُرّي غَیري»

متن حاضر

(۳۰)یا دنیا غُرّي غَیري (شرقاویA، لاتا: 22)

متن غائب

(۳۱)یَا دُنیَا یَا دُنیا، إِلَیْكِ عَنِّي؛ أَ بِي تعَرَّضْتِ؟ أَمْ إِلَيَّ [تَشَوَّقْتِ] تَشَوَّقْتِ؟ لَا حَانَ حِینُكِ؛ هَیْهَاتَ، غُرِّي غَیْرِي؛ (نهج البلاغه، حکمت 77)

عملیات بینامتنی

اول و آخر کلام امیر از نهج البلاغه در متن حاضر موجود است. آشنایی با متن نهج البلاغه می‌تواند این ارتباط را به خوبی کشف کند.

عبارت «قیمةُ الانسانِ مایُحسِنُه»

متن حاضر

(۳۲)الحسین: قیمةُ الانسانِ فیما یُحسِنُه.(شرقاویA، لاتا: 42)

متن غائب

(۳۳)امیر المؤمنین علي (ع): قِیمَةُ کُلِّ امرِئٍ مَایحُسِنُهُ. (حکمت 81)

عملیات بینامتنی

جمله امام علی(ع) با اندکی تغییردر متن حاضر به چشم می‌خورد.

۲-۲-۱-۳. بینامتنیت غیرصریح و ضمنی با نهج‌البلاغه مضمون «حرص و طمع که ترس و خوف را به دنبال دارد»

متن حاضر

(۳۴)مالي و لِلحرصِ اللَّعِین.

الحرصُ یَنقُصُ قیمةَ الانسانِ.(شرقاویA، لاتا: 30)

متن غائب

(۳۵)أَزْرَی بِنَفْسِهِ مَنِ اسْتَشْعَرَ الطَّمَعَ (نهج البلاغه: حکمت2)

عملیات بینامتنی

مذمت حرص و طمع، از نهج‌البلاغه به متن حاضر منتقل گردیده است.

مضمون «درآمیخته شدن حق با باطل و عدم تشخیص آنها از یکدیگر»

متن حاضر

(۳۶)هکَذا یَلتَبِسُ الباطلُ بِالحقِّ.(شرقاویA، لاتا: ۱۶۹)

متن غائب

(۳۷)فلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِزَاجِ الْحَقِّ لَمْ یَخْفَ عَلَی الْمُرْتَادِینَ، وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انقَطَعَتْ عَنْهُ أَلْسُنُ الْمُعَانِدِینَ، وَ لَکِنْ یؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْثٌ فیُمْزَجَانِ، فهُنَالِكَ یَسْتَوْلِي الشَّیْطَانُ عَلَی أَوْلِیَائِهِ وَ یَنجو الَّذِینَ سَبَقَتْ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنی. (خطبه 50نهج البلاغه)

عملیات بینامتنی

در متن حاضر آمیخته شدن حق به باطل را بیان می‌کند که این امر سبب پو شیده شدن حق بر جویندگان حق ا ست.این امر از سخن امیر(ع) به متن حاضر آمده است.

مضمون «دوری از حاکم متکبر»

متن حاضر

(۳۸)زالَ الطاغیةُ المتِکَبِرُ.

سقط الدجال الاکبر.(شرقاویA، لاتا: 9)

متن غائب

(۳۹)امام(علیه‌السلام) می‌فرماید: «أَلَا فَالْحَذَرَ الْحَذَرَ مِنْ طَاعَةِ سَادَاتِكُمْ وَ كُبَرَائِكُمْ الَّذِينَ تَكَبَّرُوا عَنْ حَسَبِهِمْ وَ تَرَفَّعُوا فَوْقَ نَسَبِهِمْ»(نهج البلاغه، خطبه۱۹۲)

عملیات بینامتنی

ابتدای نمایشنامه‌ی الحسین ثائرا با خبر مرگ معاویه با این مضامین آغاز می‌گردد"زال الطاغیة المتکبر"، "سقط الدجال الاکبر" کلمه متکبر در وصف معاویه آمده است و آوردن کلمه متکبر به روشنی به کلام امام علی(ع) برمی‌گردد که در خطبه قاصعه مردم را از حاکم متکبر بر حذر می‌دارد. (نهج البلاغه خطبه ۱۹۲ بند ۱۹)

مضمون«اخذ اموال از غارت کنندگان بیت المال و برگرداندن آن به خزانه حکومت»

متن حاضر

(۴۰)حسین (ع): مِثلَما سارَ ابونا رحمةُ اللهِ علیه سأَسیرُ.لیس هذا کُله حقاً لَهم، إنَّه حقُ الرجالِ الفُقَراءِ العَالمین

زینب (س): أَتَرى تَنزَعُ مِنهُم أُرضَهُم (شرقاویA، لاتا: 61).

(۴۱)و رَبُّالبیتِ حتَّى یُنفِقُوا اموَالَهم في الصَّدَقاتِ.(شرقاویA، لاتا: 62)

متن غائب

(۴۲)«واللهِ لَوْ وَجَدتُهُ قَدْ تُزُوِّجَ بِه النِساءُ و مُلِکَ به الاِماءُ لَرَدَدْتُهُ فَإِنَّ في العَدْلِ سِعَةً وَ مَنْ ضاقَ علیه العَدْلُ فالجَوْرُ عَلیه اَضْیق» (نهج البلاغه، خطبه 15)

روابط بینامتنی

نمایشنامه از قصد حسین ابن علی در بازگرداندن بیت‌المال و بازگرداندن آن به فقرا سخن می‌گوید؛ همان‌گونه که پدر بزرگوارشان در نهج البلاغه به این امر اشاره نموده‌اند. آنجا که در رابطه با آن‌چه خلیفهٔ قبل به ناحق بخشیده سخنی با این مضمون بیان می‌دارند و می‌فرمایند که این اموال را باز خواهد گرداند؛ شرقاوی برای بیان این مطلب از سخن امیر(ع) در نهج‌البلاغه بهره جسته است.

مضمون «پیمودن راه حق حتي اگر روندگان آن اندک باشند»

متن حاضر

(۴۳)لا تَرهَبوا طُرُقَ الهِدایَةِ إن خَلّت مَن عابِریها (شرقاویA، لاتا: ۱۷۲).

متن غائب

(۴۴)أیهَا النَّاسُ، لَا تَسْتَوْحِشُوا فِي طَرِيقِ الْهُدَى لِقِلَّةِ أَهْلِهِ (نهج البلاغه، خطبه 201)

عملیات بینامتنی

معنا و مفهوم متن حاضر دقیقا همان معنا و مفهوم متن غائب است. که جماعت و کثرت را نشانه بر حق بودن نمی‌داند.

۲-۳. بینامتنیت تاریخي در نمایشنامه‌ی"الحسین ثائرا"

شرقاوی علاوه بر متون دینی از متون تاریخی نیز بهره برده است. وی وقایع تاریخي سال ٦١ هجری را از زمان مرگ معاویه به تصویر می‌کشد و در متن گاهی گذر به وقایعی دارد که به عصر پیامبر (ص) و حضرت علی(ع) بازمی‌گردد که مواردی از آن جهت بررسی درستی با متون تاریخی بررسی گردیده است:

۱-۲-۳. نامه مردم کوفه به امام حسین(شرقاویA، لاتا: ۵۰)

در نمایشنامه از رسیدن نامهٔ کوفیان به دست حسین‌بن‌علی در مدینه سخن می‌گوید، این در حالی است که در کتب تاریخی نامه کوفیان زمانی به امام می‌رسد که ایشان در مکه حضور داشته‌اند. فرستادن نامه کوفیان به امام در مدینه در هیچ یک از کتب تاریخی نیامده است و همگی بر این اتفاق نظر دارند که دعوت کوفیان از

امام زمانی بوده که ایشان در مکه اقامت گزیده بودند.

۲-۲-۳. توابین (همان: ۱۲۱)

شـرقاوی توابین را یاران مختار معرفی می‌کند که از شـهادت امام علی (ع) و عدم همراهی وی پشـیمانند در حالی‌که توابین از عدم همراهی با حسین‌بن علی پشیمان بودند و سابقهٔ آنها به بعد از قیام عاشورا باز می‌گردد نه قبل از آن (قيام توابين - ويكي شيعه).

۳-۲-۳. ملحق شـدن زهیر بن قین به امام حسـین (ع).(شرقاویB، لاتا: ۲۲)

نمایشنامه بیان می‌دارد پس از بسته شدن آب بر امام (ع) و یارانش، حبیب ابن مظاهر با تنی چند در دل شـب از کوفه برای یاری امام (ع) به کربلا می‌آیند. آوردن زهیر همراه این افراد صحیح نیست و مقاتل پیوستن ظهیر به امام (ع) را در راه بازگشت از مکه در یکی از منازل بیان می‌دارند (مجلسـي، ۱۳۹۹: ۳۳۰؛ ابي مخنف، بی تا: ۹۹؛ عبد الرزاق، بي تا: ۸۸؛ مقرم، ۱۳۸۱: ۸۸؛ مجلسـي ج٤٤: ۳۷۱).

۴-۲-۳. سعد وقاص(شرقاویB، لاتا: ۵۰)

در رابطه با شخصیت سعد وقاص در چند نوبت از او با عنوان کسی یاد شده که همراه امام حسین (ع) بوده و او را در جنگ های صدر اسلام یاری نموده است واز او به عنوان قهرمان یاد می‌شود:

(۴۵)الحسین: یا ابنَ سعد نحنُ حَارَبنا معاً.
و قَهَّرنا الظُلمَ فِی کلِ مکانٍ
و رَفَعنا رایَة الانسانِ
و مَضَینا فِی رکابٍ واحدٍ.
نَرفَعُ الآلامَ عَن رُوحِ البشرِ.(شرقاویB، لاتا: ۵۰)

از زبان حسین(ع) خطاب به عمر سعد آمده:

(۴۶)الحسین: أُذکُر مَواقِفَ سعدِ یا عمرُ
أُذکُر أَباکَ و لا تَکُن عاراً عَلی ذِکری البَطَلِ(همان: ۳۵)

کتب تاریخی، سـعد را از دشـمنان سـرسـخت امام علی(ع) معرفی می‌کند به‌طوریکه دشـمنی او در قالب‌ها و پوشـش‌های مقبول اجتماعی پنهان است. همچنین بیعت سعد با ابوبکر، عمر، عثمان و معاویه و عدم بیعت با علی (ع) چیزی جز کینه و دشـمنی سـعد نیسـت. وی در بیعت با امام (ع) تأخیر و تردید کرد و در ادامه نیز بربیعت خود نماند و با عدم حضـور در جنگ‌ها و یاری نکردن امام، بیعت‌شـکنی کرد. هیچ تفاوتی نمی‌توان میان طلحه و زبیر و سعد قائل شد، طلحه و زبیر با شمشیر و سعد با سکوت و اعتزال، بیعت شکست(طيبي، ۱۳۸۳: ۱۵۷) .

۵-۲-۳.بیان سرنو شت حضرت عیسی و به صلیب کشیده شدن وی

(۴۷)حسـین(ع): أَنَّنِی أَعرِفُ أَنَّ الخیرَ مَصـلوبٌ عَلی بـابِ المدینةِ و حَواریُوه مِن ذَعرِهِم لایَندِبُونَه

إنّـهُـم تَـحـتَ ظـلالِ الشـوکِ یَـبـکُـون .... و لـکـن یَنکُرونَه.....(شرقاوی، لاتا: ۳۷).

عیسی مسیح به صلیب کشیده نشد، بلکه امر بر مردم مشتبه گردید و مسـیح به آسـمان عروج کرد، دلیل این مطلب آیه قرآن است.

(۴۸)وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ ۚ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ ۚ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا.(نساء/۱۵۷)

نتیجه

۱- ادبیات بر اسـاس بینامتنیت اسـتوار گردیده و هر متن از متون پیشین تاثیر پذیرفته و حافظ سنت و میراث گذشتگان است. اثرادبی هرچه پردامنه‌تر با شد و با متون دیگر درهم‌تنیدگی بیشتری داشته باشد، تأثیر آن بر مخاطب بیشتر است. آثار نویسندگان تا حد زیادی به متون پیشـین وابسـته‌اند و ردپای آثار گذشـتگان به خوبی درنوشتار آن‌ها مشهود است.

۲- مشـهور بودن پیش‌متن در روابط بینامتنی سـبب ارزش و اعتبار متن حاضر می‌گردد، بینامتنیت ژنتی‌عبارتست از:

- **بینامتنیت صریح و آشکار:** در این نوع بینامتنیت، عنصر بینامتنی به راحتی قابل تشخیص است که نقل قول، نمونه بارز آن است.

- **بینامتنیت غیر صریح**: عنصرمشترک و هم‌حضور، به روشنی و صراحت بیان نشده است؛ که می‌توان به سرقت ادبی اشاره کرد.

- **بینامتنیت ضمنی**: تلمیح را می‌توان پنهان‌ترین و ضمنی‌ترین نوع بینامتنیت دانست.

۳-در رابطه با نمایشنامهٔ الحسین ثائراً و شهیداً می‌توان اظهار کرد که شرقاوی هوشمندانه با دو کتاب ارزشمند قرآن و نهج‌البلاغه، جهت غنای اثر خویش رابطهٔ بینامتنی برقرار نموده است تا نیروی این متون را به نوشتار خود وارد کند. او همچنین با کتب تاریخی نیز این ارتباط برقرار کرده است.می‌توان گفت او در رابطه با قرآن و نهج‌البلاغه موفق عمل کرده و به‌عکس در رابطهٔ بینامتنی با متون تاریخی به نظر می‌رسد او پژوهشگر تاریخی نیست و در برخی موارد دچار اشتباه شده است.

٤- در دو نمایشنامهٔ الحسین ثائراً و الحسین شهیداً این نتیجه حاصل گردید که بینامتنیت صریح، بیشترین کاربرد و سپس بینامتنیت غیر صریح وضمنی در مرتبه دوم قرار دارد.

پی‌نوشت

(۱) (معاویه)اصل مهمی را در اسلام نابود کرد.
اساس شورا را جعل کرد(ترجمه امامی،۱۳۹۸: ۱۹).

(۲) آنان که امر خدایشان را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آنها کردیم انفاق می‌کنند(ترجمه انصاریان، ۱۳۸۹).

(۳) از مردان، بعضی از دنیا بریده و رو به سوی آخرت دارند(ترجمه نویسنده).

(٤) مردانی از مؤمنان به آنچه با خداوند پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند (و خود را آماده‌ی جهاد نمودند)، برخی پیمانشان را عمل کردند (و به شهادت رسیدند) و بعضی دیگر در انتظار(شهادت) هستند، و هرگز (عقیده و پیمان خود را) تغییر ندادند(انصاریان،۱۳۸۹).

(٥) وای بر شما و پدرانتان(نویسنده).

(٦) وای بر هر طعنه‌زنندهٔ عیب‌جو(انصاریان،۱۳۸۹).

(۷) وای بر کم‌فروشان(همان).

(۸) این بار بر تو گرانبار است. اشاره به مشکلات و سختی هایی دارد است که نیاز به سعهٔ صدر دارد.

(۹) آن(بار گرانی) که برای تو کمرشکن بود. باری که آزار کفّار تو را گرانبار ساخته بود ما زایل نمودیم و بر طرف ساختیم (انصاریان، ۱۳۸۹).

(۱۰)و(۱۱) خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد(نویسنده).

(۱۲) خداوند جز به اندازهٔ توانایي، تکلیف نمی‌کند(انصاریان، ۱۳۸۹).

(۱۳) خداوند جز به اندازهٔ توانایی تکلیف نمی کند و هرکه عمل شایسته انجام دهد به سود او ست و هر کس مرتکب زشتی شود زیان کرده است (انصاریان، ۱۳۸۹).

(۱۴) خداوند آن‌چه از گناهان را بخواهد می‌آمرزد(نویسنده).

(۱۵) خداوند آمرزنده است(نویسنده).

(۱۶) و آن‌ها وقتی مرتکب عمل زشتی شوند یا به خود ستم کنند، به یاد خدا می‌افتند و برای گناهان خود، طلب آمرزش می‌کنند و کیست جز خدا که گناهان را ببخشد؟ بر گناه اصرار نمی‌ورزند، با اینکه می‌دانند(انصاریان، ۱۳۸۹).

(۱۷) خدا گناه شرک را نخواهد بخشید و سوای شرک را برای هر که خواهد می‌بخشد، و هر کس شرک آورد به دروغی که بافته گناهی بزرگ مرتکب شده است(انصاریان، ۱۳۸۹).

(۱۸) اگر(پروردگار) بخواهد شما (افراد بشر) را در زمین نابود می‌سازد و خلقی‌دیگر می‌آفریند(ترجمه نویسنده).

(۱۹) (ای بشر) آیا نداستی خدا آسمان‌ها و زمین را به حق و برای مقصود بزرگی آفریده و اگر بخواهد همه را در زمین نابود می‌سازد و خلقی دیگر می‌آفریند؟(انصاریان، ۱۳۸۹).

(۲۰) این‌گونه باطل، حق را می پوشاند و ترسو در لباس حکیم، متفکر به نظرمی‌آید(نویسنده).

(۲۱) حقّ را به باطل نپوشانید و حقیقت را با این‌که می‌دانید، کتمان نکنید(انصاریان، ۱۳۸۹).

(۲۲) نیکی با مظلوم و برخورد با ظالم(نویسنده).

(۲۳) محمد (ص) فرستادهٔ خداست و یارانش بر کافران بسیار قوی‌دل و سخت و با یکدیگر بسیار مهربانند(انصاریان، ۱۳۸۹) .

(۲۴) از حسادت حسودان بسیار بر تو هراسانم(نویسنده).

(۲۵) بگو پناه به پروردگار سپیده‌دم از زیان حسود، زمانی که حسد می‌ورزد(انصاریان، ۱۳۸۹).

(۲۶) چه کسی روز قیامت بار من را به دوش می‌کشد؟(نویسنده).

(۲۷) هیچ گناهکاری گناه دیگری را حمل نمی‌کند(انصاریان، ۱۳۸۹).

(۲۸) حسین(ع): ترس از خدا سزاوارتر است تا ترس از حاکمان(امامی،۱۳۹۹: ٦٦).

(۲۹) چرا با قومی که سوگندهایشان را شکستند و به راندن رسول همت کردند کارزار نمی‌کنید؟ در حالی‌که آنان جنگ را با شما آغاز کردند، آیا از آنان می‌هراسید؟ پس اگر مؤمن هستید شایسته‌تر است از خدا بترسید(انصاریان، ۱۳۸۹).

(۳۰) ای دنیا از من دور شو(امامی،۱۳۹۹: ۷۹).

(۳۱) ای دنیا! ای دنیا! از من دور شو. آیا برای من خودنمایی می‌کنی؟ یا شیفتهٔ من شده‌ای؟ هرگز نمی‌توانی در دل من جای گیری، هرگز مباد! غیر من را بفریب که من را در تو نیازی نیست(بهرامپور،۱۳۹٦: ٦۹۱).

(۳۲) ارزش انسان به چیزی است که آن را نیکو انجام دهد(نویسنده).

(۳۳) امام علی(ع): قیمت و ارزش هر کس به اندازه کاری است که می‌تواند آن را به خوبی انجام دهد (بهرامپور، ۱۳۹٦: ٦۹۳).

(۳۴) من را با حرص چه‌کار، حرص و طمع ارزش انسان را می‌کاهد (نویسنده).

(۳۵) هرکه طمع را پیشه کند شخصیت خود را باخته است (بهرامپور،۱۳۹٦: ٦۷۳).

(۳۶) اینچنین باطل در حق درمی‌آمیزد (نویسنده).

(۳۷) اگر باطل با حق نمی‌آمیخت بر جویندگان حق پنهان نمی‌ماند و اگر حق به باطل پوشیده نمی‌گشت، زبان معاندان از طعن بریده می‌شد، ولی همواره پاره‌ای از حق و پاره‌ای از باطل درهم می‌آمیزند. در چنین حالی، شیطان بر دوستان خود مستولی می شود. تنها کسانی رهایی می‌یابند که الطاف الهی شامل حالشان شده باشد(بهرامپور، ۱۳۹٦: ۹٦).

(۳۸) طاغوت متکبر از بین رفت، دجال بزرگ سقوط کرد (امامی،۱۹: ۱۳۹۸).

(۳۹) به هوش باشید! و بر حذر باشید از اطاعت (کورکورانه) بزرگترها و رؤسایتان! همان‌ها که به سبب موقعیت خود، تکبر می‌ورزند و خویش را بالاتر از نسب خود می‌شمرند(بهرامپور، ۱۳۹٦: ٤۱۱).

(۴۰) حسین(ع): همچون پدرمان عمل خواهم کرد. بیت المال حق آنها نیست و مال تمام فقراء است.

زینب (سلام الله): آیا می‌خواهی زمین‌هایشان را پس بگیری؟(ترجمهٔ نویسنده).

(۴۱) به خدای کعبه حتی اگر آن اموال را صدقه داده باشند (ترجمهٔ نویسنده).

(۴۲) به خدا سوگند بیت‌المال تاراج شده را هرجا بیابم آن‌را برمی‌گردانم؛ هرچند مهر زنان و بهای کنیزان باشد. در عدالت گشایش است وکسی که عدالت بر او گران است ستم برایش گران‌تر خواهد بود.(ترجمهٔ بهرامپور، ۱۳۹٦: ۵۵)

(۴۳) از طریق هدایت نترسید اگر روندگان آن اندک باشند(نویسنده).

(۴۴) از طریق هدایت نترسید اگر روندگان آن اندک باشند.

(۴۵) حسین: پسر سعد ما با هم (دربرابر) دشمن جنگیدیم

و ستم را در همه جا مغلوب کردیم.

و پرچم انسانیت را برافراشتیم.

در یک رکاب سپری کردیم.

و درد و اندوه را از روح بشریت زدودیم(نویسنده).

(٤٦) حسین (ع): ای عمر! جایگاه پدرت را به یاد بیاور.

پدرت را به یاد بیاور و مایه ننگ آن پهلوان نباش(نویسنده).

(٤٧) می‌دانم مسیح را بر دروازهٔ شهر به صلیب کشیدند و حواریونش از ترس، هیچ ناله و زاری نکردند و زیر سایهٔ خار گریه می‌کردند ولی او را انکار می‌کردند(امامی، ۱۳۹۹: ۲۲٤).

(۴۸)-هم از این رو که گفتند: ما مسیح عیسی بن مریم رسول خدا را کشتیم، در صورتی که او را نه کشتند و نه به دار کشیدند بلکه امر بر آنها مشتبه شد و همانا آنان که دربارهٔ او عقاید مختلف اظهار داشتند، از روی شک و تردید سخنی گفتند و عالم به او نبودند؛ جز آن‌که از پی گمان خود می‌رفتند و به طور یقین مسیح را نکشتند(انصاریان، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه(۱۳۹٦)، ترجمه ابوالفضل بهرامپور، قم: آواي قرآن.

ابراهيم، مصطفي او زملاؤه (۱۹۸۹م)، **المعجم الوسيط**، استنبول: مؤسسه دارالندعوة.

امامي، غلامرضا(۱۳۹۸)، **سفر خروج**، ترجمه کتاب الحسين ثائراً و الحسين شهيداً، تهران: اميرکبير.

آلن،گراهام(۱۳۸۰)، . **بینامتنیت**، مترجم: پیام یزدانجو، چ۷، تهران: مرکز.

بحيري، سعيد حسين(۱۹۹۷م)، **علم لغة النص المفاهيم و الاتجاهات**، القاهره: الشركة المصرية العالمية

بلاذری، **أنساب الأشراف**(۱۴۱۷)، ج۲، بیروت: دارالفکر.

توكلي ثاني، مريم(۱۳۹۳)، **خون خدا**، ترجمه کتاب الحسين ثائرا، تهران: دفتر نشر معارف.

جابر، ناصر(۲۰۰۷)، **التناص القرآني في الشعر العماني**، مجلة جامعة النجاح للابحاث (العلوم الانسانية)، ش٤.

حاجی‌زاده، مهین؛ ابهن، محدثه(۱۳۹۱)**« نقش قرآن و میراث دیني در اشعار استعمار ستیز یحیي سماوي»**، نشریهٔ مطالعات ادبی متون اسلامی، ش۳، صص۱۲۵- ۱۳۸.

حسین حبیب، محمد(۱٤۲۸)، «**استثمار واقعة الطف فی مسرحية العربية**»، مجله المنهاج، ش٤٦، صص۱۱۵-۱٤۱.

زکی، نبیل(۱۹٦۹)، «**عبد الرحمن الشرقاوی و ملحمة الحسين**»،مجله ادب و هنر،ش۱۰۱، صص۱۲۸-۱٤۲

الزهیری، رزیج عطشان(۱۳۹۸)، «**الاشارات الشخصية فی مسرحيتی الحسين ثائرا و الحسين شهيدا**»، مجله القادسية، ش۲، صص۳۵۹-۳۷۵

سوزنی، جمیل(۱۳۸۹)، «**تحليل العناصر المسرحية فی مسرحيتی الحسين ثائراً و شهيداً**»،پایان‌نامه.

السيد عيد، محمد (۱٤۰۷)، «**رؤية نقدية درامية لمسرح عبد الرحمن الشرقاوی**»، مجله ابداع، ش٤، صص۱٤-۳۰.

الشرقاوی، عبد الرحمن(بي تا)، **الحسين ثائراً**، قاهره: مؤسسه روز اليوسف.

الشرقاوی،عبد الرحمن(بي تا)، **الحسين شهيداً**، قاهره: مؤسسه روز اليوسف.

شمس، قیس‌رازی(۱۳۳۸ش)، **المعج في معايير أشعار العجم**، تصحيح محمد بن عبد الوهاب قزويني، تهران: مدرس رضوي. ظفری‌زاده، سیامک؛ خاقانی‌اصفهانی، محمد(۱۳۹٤)، **«روابط بينامتني نهج البلاغه با اشعار كلاسيک فارسي»**، فصلنامهٔ پژوهشنامهٔ نهج البلاغه، ش۱۱،صص۳۵-٤۵.

عبدالمسیح ثروت، یوسف(۱٤۱۳)، «**المأساة و الأصداء ثورة**

الحسين(ع) دراسة و عرض لأعمال عبد الرحمن الشرقاوی المسرحية الحسينية»،مجله الموسم، ش۱۳،صص۹٤-۱۰۵.

فسنقری،حجت الله؛ سالمی مغانلو، بهروز(۱۳۹۷)، «**جلوه های پیداری در نمایشنامه الحسین ثائرا و شهیدااثر عبدالرحمن الشرقاوی**»،مجله ادب عربی، ش۱،صص۱۸-۲۹.

کامیاب، مرجان؛ محمدي، سمیه(۱۳۹٦)،«**بررسي تطبيقي انواع بينامتنيت ژنت با نظريه بلاغت اسلامي در نفثة المصدور زيدري نسوي**»، نشريه زيبايي شناسي ادبي، ش۳۱، صص ۲۱۷ -۲۳۲.

محمودي، خيرالله؛ هوشمند سروستانی، حمیدرضا(۱٤۰۰)، «**بررسي بينامتنيت قراني غزليات فيض كاشاني**»، پژوهش های ادبی- قرآنی، ش۱،صص ۱۷۹ -۲۰۵.

مختاری، قاسم؛ عربی، سجاد(بی تا)،« **بینامتنی قرآنی در شعر بدر شاکر سیاب**»، مجله ادب عربی، ش٤، صص۱٦۹-۱۹٦.

مشایخ، پروین؛ سید صادقی؛ سید محمود؛ حمیدی، سیدجعفر(۱۳۹٦)،« **بررسی تطبیقي انواع بینامتنیت ژنت با نظریه بلاغت اسلامی**»، مجلهٔ علمی مطالعات زبانی و بلاغی، ش۳۱، صص ۲۱۷-۲٤۲.

میرزایی، فرامرزر؛ واحدی، ماشاالله(۱۳۸۸)، «روابط بینامتنی قرآن با اشعار احمد مطر»، مجلهٔ نثرپژوهی ادب فارسی، ش۲۲، صص۲۹۹-۳۲۲.

میرزایی، فرامرز، رضا تواضعی و سیدرضا موسوی(۱۳۹٤)، «**ژرف‌ساخت ناسازواری در شعر امل دنقل و بینامتنی قرآنی**»، مجله ادب عربی، ش۱، صص۳۰۱- ۳۲٤ .

نامورمطلق، بهمن(۱۳۹۵)، **بینامتنیت از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم**، چ ۱. تهران: سخن.

نفیسی، شادی؛ افسردیر، حسین(۱۳۹۷)، «**کارکرد بینامتنیت نهج البلاغه با قرآن براساس نظریه ژرار ژنت**»، نشریه پژوهشنامه نهج‌البلاغه، ش۲۳، صص۱۱۱-۹۳.

References

The Holy Quran

Nahj al-Balagheh (2016), translated by Abulfazl Bahrampour, Qom: Voice of the Qur'an

Abdul-Masih Tharwat, Yusuf (1413), **"Tragedies and Voices of Al-Hussein (PBUH) and Presentation of the Works of Abd al-Rahman Al-Sharqawi Al-Thushamiya al-Husseiniyyah**", Al-Mosom Magazine, Vol. 13, pp. 94-105.

Allen, Graham (2008), **Intertextuality**, translator: Payam Yazdanjo, Ch 7, Tehran: Nashmarkaz

Al-Sayyid Eid, Muhammad (1407), **"A critical dramatic vision of Abdul Rahman al-Sharqawi's play**", Ibda'a magazine, Vol. 4, pp. 30-14.

Al-Sharqawi, Abd al-Rahman (B.T.A.), **Al-Hossein Shahidah**, Cairo: Roz Al-Yusuf Institute.

Al-Sharqawi, Abd al-Rahman (Bita), **Al-Hossein Thaera**, Cairo: Roz Al-Yusuf Institute

Al-Zuhairi, Razij Atshan (2018), **"Personal References in the Plays of Al-Hossein Thaera and Al-Hossein Shahida",** Al-Qadsiya Magazine, Vol. 2, pp. 359-375.

Balazhari (1417), **Ansab al-Ashraf**, vol. 2, Beirut: Dar al-Fikr - Tawakli Thani, Maryam (2013), God's Blood, translation of Al-Hossein Thaera's book, Tehran: Ma'arif Publishing House.

Behairi, Saeed Hossein (1997), **The Language Science of the Text, Concepts and Directions**, Cairo: Al-Masriy Al-Almiya Company.

Emami, Gholamreza (1398), **Sefer-e-Khishr**, translation of the book Al-Hossein Tha'er and Al-Hossein as a Shahid, Tehran: Amir Kabir.

Fasangri, Hojjatullah; Salemi Moghanlou, Behrouz (2017)**, "Effects of Pidaari in the Plays of Al-Hossein Thaera and the Martyr of Abdul Rahman Al-SharqawiStudy**، Arabic Literature Magazine Vol.1، pp.18-29.

Genette, Gerard (1997). **Palimpsetes**: literature au second degre.

Hajizadeh, Mahin; Abhan, Muhaddeh (2012) **"The role of the Quran and religious heritage in Yahya Samavi's anti-colonial poems"**, Journal of Literary

Studies of Islamic Texts, Vol. 3, pp. 125-138.
Hossein Habib, Muhammad (1428), **"Exploiting the event of grace in the Arabian drama", Al-Manhaj magazine**, vol. 46, pp. 115-141.
Ibrahim, Mustafa O Zamlaouh (1989), **Al-Mu'jam al-Wasit**, Istanbul: Dar al-Nadawa Institute
Jaber, Nasser (2007), **Al-Tannas al-Qur'an in Al-Sha'ar al-'Umani**, Journal of Al-Najah Research Society (Al-Uloom al-Insaniyah), Vol. 4.
kamyab, Marjan; Mohammadi, Samiyeh (2016), **"Comparative study of the types of intertextuality of Genet with the theory of Islamic rhetoric in Nafetha al-Masdoor Zaydari Nesavi"**, Journal of Literary Aesthetics, Vol. 31, pp. 217-232.
Mahmoudi, Khairullah; Houshmand Sarostani, Hamidreza (1400), **"Review of the Quranic Intertextuality of Faiz Kashani's Ghazals**", Literary-Quranic Researches, Volume 1, pp. 179-205.
Mashaikh, Parvin; Seyed Sadeghi; Syed Mahmoud; Hamidi, Seyyedjaafar (2016), **"Comparative study of genet intertextuality types with the theory of Islamic pronunciation**", Scientific Journal of Linguistic and Rhetorical Studies, Vol. 31, pp. 217-242 .
Mirzaei, Faramarzar; Vahedi, Masha Allah (2008), **"Intertextual relations of the Qur'an with Ahmad Matar's poems"**, Prose Journal of Persian Literature, Vol. 22, pp. 299-322.
Mirzaei, Faramarz, Reza Tovetari and Seyed Reza Mousavi (2014), **"Deep construction of incongruity in the poem of Amal Dangul and Quranic intertextuality"**, Journal of Arabic Literature, Vol. 1, pp. 301-324.
Mokhtari, Qasim; Arabi, Sajjad (n d), **"Qur'anic intertextuality in the poetry of Badr Shakir Siyab"**, Journal of Arabic Literature, Vol. 4, pp. 169-196.
Nafisi, happiness; Afsardeer, Hossein (2017), **"The Intertextuality of Nahj al-Balagheh with the Qur'an based on Gerard Genet's Theory"**, Nahj al-Balagheh Research Journal, Vol. 23, pp. 93-111
Namvarmotlaq, Bahman (2015), Intertextuality from Structuralism to Postmodernism, Ch 1. Tehran: Sokhon.
Shams, Qays Razi (1338), **Al-Maaj in the standards of Al-Ajm poems**, corrected by Mohammad bin Abd al-Wahhab Qazvini, Tehran: Madras Razavi.
Suzni, Jamil (2009), **"Analysis of the theatrical elements in the plays of Al-Hossein Thaera and Shahida"**, thesis.
Zafarizadeh, Siamak; Khaghani-Esfahani, Mohammad (2014), **"Intertextual relations between Nahj al-Balagheh and classical Persian poems"**, Nahj al-Balagheh Research Quarterly, Vol. 11, pp. 35-45.
Zaki, Nabil (1969), **"Abdul Rahman Al-Sharqawi and the Epic of Al-Husayn**", Magazine of Literature and Art, vol. 101, pp. 128-142", Arabic Literature Magazine, Vol. 1, pp. 18-29.